



Comparative Commentary researches
Vol.3, no.2, Autumn and Winter 2017, Ser. no.6
(pp. 111-139)
DOI: PTT-1711-1244 (R3)

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶،
شماره پیاپی ۶ (صفحات ۱۱۱-۱۳۹)

A Review of Orientalists' Approach to Shia Hadith Resources according to Shia and Sunni Commentaries

Murteza Maddahi ¹
Mustafa Ja'far Tayyari ²

(Received: 06/02/2017; Accepted: 15/06/2017)

Abstract

In recent years, some orientalists have conducted studies on Shialogy (Shia studies) and Shia hadith. The review of the process of these studies shows that they have different approaches in terms of method, attitude, and different dimensions of hadith-related issues, which show their attitudes towards different dimensions of Shia hadith-related issues. Some of these studies are about the Shia hadith resources, the review of which shows their different approaches, including publishing approach and correcting Shia hadith books, descriptive bibliography, methodological approach of hadith collections, and comparative studies approach. Using a descriptive-analytical method and searching many studies by orientalists on Shia hadith, the present paper reviews those related to Shia hadith resources, recognizes their approaches, and criticizes some of their view.

Key words: orientalists, Shia hadith, Shialogy (Shia studies), orientalism and hadith, comparative studies.

Member of Al-Hikmah Institute, subordinate to Al-Mustafa International University, mor.maddahi@gmail.com ¹

Assistant professor and faculty member of university of religions and denominations, mjd38@chmail.ir ²



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Comparative Commentary researches
Vol.3, no.2, Autumn and Winter 2017, Ser. no.6
(pp. 113-139)
DOI: PTT-1711-1244 (R3)

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶،
شماره پیاپی ۶ (صفحات ۱۱۳-۱۳۹)

بررسی رویکرد مستشرقان به منابع حدیثی شیعه در تفاسیر فریقین

مرتضی مداحی^۱
مصطفی جعفر طیار^۲

(تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۲۰؛ تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۱۶)

چکیده

شیعه‌شناسی و حدیث شیعه در سال‌های اخیر موضوع مطالعه برخی از مستشرقان بوده است. بررسی سیر حدیث‌پژوهی شیعی مستشرقان نشان می‌دهد، آنان به لحاظ روش و بینش و نیز ابعاد مختلف مباحثی حدیثی دارای رویکردهای مختلفی هستند. این رویکردها نگرش آنها را به ابعاد مختلف مباحث حدیث شیعه نشان می‌دهد. بخشی از مطالعات مستشرقان راجع به منابع حدیثی شیعه بوده است که در بررسی آنها به رویکردهای مختلفی برمی‌خوریم: از جمله رویکرد انتشاری و تصحیح کتب حدیثی شیعه، منبع‌شناسی توصیفی، رویکرد روش‌شناختی مجامع حدیثی و رویکرد مطالعات تطبیقی. در این مقاله با بررسی انبوهی از مقالات مستشرقان درباره حدیث شیعه آثاری که درباره منابع حدیثی شیعه هستند، بررسی شده و رویکردهای آنان بازشناسی شده و برخی از دیدگاه‌های آنان نیز مورد نقد واقع شده است. روش مطالعه در این مقاله توصیفی تحلیلی است.

کلیدواژگان: مستشرقان، حدیث شیعه، شیعه‌شناسی، خاورشناسی و حدیث، مطالعات تطبیقی.

۲. دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب و استادیار دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه - mor.maddahi@gmail.com

۱. استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب - mjd38@chmail.ir

۱. مقدمه

مطالعات حدیث شیعه در بین مستشرقان بسیار با تأخیر آغاز شد و مستشرقان اولیه کم‌ترین توجه را به آن داشته‌اند. کارل بروکلمان در «تاریخ الادب العربی» که فهرست آثار اسلامی است، به طور آشفته و مختصر از کتب حدیثی شیعه از جمله «الکافی» یاد کرده و حتی کتبی چون «الفقیه» و «تهذیب» و «استبصار» و «جوامع ثانویه» معرفی نشده‌اند. (بروکلمان، ۱۱۱۹م، صص ۳۳۵-۳۵۱).

ادوارد فندیک در کتاب «اکتفاع القنوع» سخنی می‌گوید که از فقر اطلاعاتی او نسبت به کتب شیعه حکایت دارد. او می‌نویسد: «شیعه این نام را برای خود نمی‌پسندند؛ بلکه خود را علوی می‌نامند». او نام پنج مجموعه را برده و گفته‌است: «نهج البلاغة للسید الرازی المتوفی سنة ۴۰۶ و هو غیر الفخر الرازی و غیر ابن زکریا الرازی» (فندیک، ۱۴۰۹ق، ص ۱۸۰). این در حالی است که فندیک انبوهی از کتب حدیثی اهل سنت را معرفی می‌کند که در هند و اروپا به طبع رسیده‌اند. (همان، صص ۱۲۴-۱۳۷)

مایکل کوک در بحث تدوین حدیث در صدر اسلام به ده‌ها کتب حدیثی اهل سنت ارجاع می‌دهد؛ اما هیچ اشاره‌ای به کتب شیعه نمی‌کند. (مهدوی راد، ۱۳۷۷)

ادوارد براون جامع‌ترین کتب حدیثی شیعه را «معراج السعاده» و «بحار الانوار» دانسته و گفته‌است: بحار پانزده یا شانزده جلد و نوشته جلال‌الدین حسن بن یوسف حلی ملقب به علامه است. (بروان، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۵۶۹)

باید گفت، اولین تلاش‌ها برای توصیفی بهتر از منابع حدیثی شیعه را دونالدسون در کتاب «مذهب شیعه» در سال ۱۹۳۳ انجام داده است. (Donaldsonm, 1933) آغاز شیعه شناسی در اروپا بود و برگزاری اولین کنفرانس شیعه دوازده امامی در سال ۱۹۶۸ در استراسبورگ فرانسه (صانع پور، ۱۳۹۳، ص ۱۳) توجه به شیعه‌شناسی و حدیث شیعه حرکتی تازه به خود جلب کرد. (امیرمعزی، ۲۰۱۱، ص XI) این در حالی است که بیش از صدها تن در طول بیش از یک و نیم قرن به مطالعه علمی درباره اسلام سنی پرداخته‌اند. (پیشین،

ص XIII) نتیجه این قصور چیزی جز جهل نسبت به تشیع و ظهور دیدگاه‌های نادرست متأثر از اهل سنت درباره تشیع نبوده است. (الویری، ۱۳۷۴، ص ۵۲) بررسی این آثار ما را به چند رویکرد اساسی در آنها رهنمون می‌شود.

۲. رویکرد انتشاری

تحقیق و چاپ و یا ترجمه آثار حدیثی شیعه در غرب، نسبت به آثار اهل سنت فاصله‌ای غیر قابل قیاس دارد. انبوهی از کتب اهل سنت توسط مستشرقان تصحیح و منتشر شده است؛ اما کتب حدیثی شیعه کم‌ترین توجه مستشرقان را به خود جلب کرده است. غیر از آلویس اشپرنگر (۱۸۹۳م) اتریشی که کتاب «الاستبصار» و «الفهرست» شیخ طوسی را چاپ کرد، (دوانی، ۱۳۴۹، ص ۲۶۲) کتابی چاپ نشد تا این که در همین اواخر کلبرگ و امیر معزی کتاب «القرائات او التنزیل» احمد بن محمد سیاری را چاپ کردند. (کلبرگ، ۲۰۰۹)

در بخش ترجمه نیز کتب معدودی ترجمه شده‌اند. ای. جی. هوارد «الارشاد» شیخ مفید را به انگلیسی (Howard, 1982) ترجمه کرد و اندرو نیومن در ترجمه «طب‌الائم» همکاری کرد (Newman, 1991) و ویلیام چیتیک «صحیفه سجادیه» (Chittick, 1988) و «نامه امام علی (علیه السلام) به مالک اشتر» را ترجمه کرد و «گزیده‌ای از معارف شیعه» (Chittick, 1981) منتشر کرد. بخش محدودی از احادیث «من لایحضره الفقیه» (بخش خمس) و بخشی از احادیث «کافی» درباره ازدواج موقت در کتاب «کالدر» ترجمه شد. (Calder, 2003) مارسینکوسکی بخش‌هایی از «أصول کافی» را (Marcinkowski, 2000) و بخش‌هایی از کتاب «اعلام‌الوری» نوشته فضل‌بن حسن طبرسی را نیز خانم لیندا کلارک به همراه محمد یعقوب به انگلیسی ترجمه کرده‌اند. (Clarke, 1986) «حیاة القلوب» علامه مجلسی را جیمز ال. مریک به انگلیسی برگرداند (Merrick, 1850) و اسمیت الدر و نیل بایلی نیز در کتاب «خلاصه‌ای از قوانین مسلمانان» به ترجمه بخش‌هایی از سه کتاب «تحریر الاحکام» و «ارشادالاذهان» علامه حلّی، «شرایع الاسلام» محقق حلّی و «مفاتیح الشرایع» فیض کاشانی پرداخته‌اند. (Elder, 1875)

این کتاب‌ها نسبت به کتب چاپ یا ترجمه شده مستشرقان از اهل سنت بسیار ناچیز و به هیچ وجه قابل قیاس نیست.

۳. رویکرد منبع‌شناسی توصیفی حدیث شیعه

تحقیقات انجام شده از سوی خاورشناسان در موضوع منبع‌شناسی و کتاب‌شناسی حدیث، یکی از ابعاد پژوهش‌های آنان در حدیث شیعه است. در مطالعات منبع‌شناسی مستشرقان سعی دارند، آثار مهم حدیثی مسلمین را مورد بررسی ساختاری قرار دهند. مراد از محتوашناسی، بیش‌تر ریخت‌شناسی ساختاری و توصیف سازواره درونی این آثار است. (راد، ۱۳۸۹، ص ۲۰۸)

دونالدسون در کتاب «مذهب شیعه» فصلی را به حدیث شیعه اختصاص داده و منابع حدیثی شیعه را معرفی کرده است. او می‌گوید: اطلاعات من از کتاب‌های «فهرست» طوسی، «قصص العلماء» تنکابنی و «فهرست» ابن ندیم است. (Donaldson, 1933, p. 283) او اشاره‌ای به محمدون ثلاث و «کتب اربعه» داشته و به معرفی «الکافی» پرداخته است. او توصیفی از ارزش‌گذاری سندی احادیث کافی به دست می‌دهد که تا حدودی ابهام دارد و سپس به معرفی شیخ صدوق و تولد او با دعای امام زمان و معرفی بسیار مختصر کتاب «الفقیه» می‌پردازد. (Ibid, p. 304) او اطلاعاتی درباره شیخ طوسی، مفید و سیدمرتضی و دیدگاه‌های او درباره اجماع می‌دهد و به معرفی برخی کتب شیخ طوسی از جمله «تهذیب» و «استبصار» پرداخته و مختصری نیز راجع به علت تدوین حدیث شیعه در دوره آل‌بویه و تفاوت حدیث شیعه و اهل سنت نوشته است. (Ibid, p. 304) در ادامه، دونالدسون آثار علامه مجلسی از جمله بحارالانوار را معرفی کرده است. (Ibid, p. 304)

برخی از ایران‌شناسان نیز اطلاعات مختصری درباره کتب حدیثی دارند؛ مانند پطروشفسکی که با ارائه اطلاعات کلی و اندک درباره «الکافی» می‌نویسد: این مجموعه به دو بخش اصول و فروع تقسیم شده است و روضه را جزء کافی به شمار نمی‌آید.

(پطروشفسکی، ۱۳۶۳، ص ۲۷۷) در حالی که عموم تراجم نویسان روضه را جزء کافی می‌شمارند. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۷۷۳)

بعد از ۱۹۷۰ منبع‌شناسی توصیفی کتب شیعه روندی رو به رشد دارد. «أصول اربعه‌مأه» را اتان کلبرگ بررسی کرده است. (Kohlberg, 1987) او در این مقاله ابتدا به معرفی قدیمی‌ترین کتاب‌های شیعیان می‌پردازد و به طور تعجب برانگیزی کتاب نهج البلاغه را نوشته خود امام علی (علیه السلام) معرفی می‌کند. او واضح اصطلاح «أصول اربعه‌مأه» را شیخ مفید می‌داند؛ در حالی که ابن شهر آشوب و علامه حلی تعداد آنها را هفتصد اصل دانسته‌اند. (کلبرگ، ۱۳۷۹، ص ۷۲) نویسندگان این چهارصد اصل نیز کاملاً مشخص نیست؛ اما احمد بن حسین غضائری فهرستی از نام آنان به دست می‌دهد. (همان، ص ۷۴) کلبرگ که کتابی مفصل درباره کتابخانه ابن طاووس دارد، می‌نویسد: برخی از این اصول در دسترس سید بن طاووس بوده است و مجلسی نیز تلاش زیادی برای یافتن هر چه بیش‌تر اصول کرد و دسته‌ای از اصول که نویسنده آنها برای مجلسی مشخص بوده است، در مقدمه بحار معرفی شده‌اند. (همان، ص ۸۴) پس از مجلسی سیزده اصل به کرات استنساخ شده‌اند و اکنون نیز موجودند. کلبرگ در معرفی افرادی که کتب تراجم به عنوان صاحبان دانسته‌اند، حدود ۱۰۰ تن از آنها را نام می‌برد. (همان، ص ۹۲-۱۰۲) کلبرگ در توصیف آنان از شش واقفی، سه فطحی، دو زیدی، دو فرد متهم به غلو، یک ناووسی و حداقل یک عامی نام برده و معتقد است، برخی از نویسندگان اصول بیش از یک اصل نوشته‌اند. (همان، ص ۱۰۴)

کلبرگ در مقاله «حدیث شیعه» نیز در گزارشی از حدیث شیعیان به توضیح «أصول اربعه‌مأه» می‌پردازد (Kohlberg, 2014) و سپس به توضیح دیگر کتب از جمله «بصائر الدرجات» می‌پردازد و می‌گوید: اولین فرد غربی که به مطالعه درباره این کتاب پرداخت، لوی بلیگ بود که با قتل او در سال ۱۹۳۶ کار او به نهایت نرسید و منتشر نشد. (Kohlberg, 2014, p. 166)

اثر دیگر، مقاله «آثار قبل از آل بویه پیشینه حدیث: مطالعه البرقی از قم» از روی ویلزنزی است که به معرفی برقی می‌پردازد. (Vilozny, 2014) او گزارش می‌کند که برقی و پدرش

محمد از شاگردان امام هشتم و نهم بودند و علی رغم روایت از ضعفای هم نجاشی و هم شیخ طوسی او را ثقه دانسته‌اند. (Vilozny, 2014, 205)

او با ذکر دو کتاب محاسن و رجال، می‌گوید: برقی هیچ اشاره‌ای به دوازده امام ندارد؛ بنابراین به نظر می‌آید تا این زمان ایده دوازده امام هنوز در تفکر شیعی رسوخ نکرده بود. از سوی دیگر او در زمانی فوت کرد که آل بویه به قدرت رسیدند و شیعیان با توجه به آزادی و ترغیبی که از وزیران آل بویه دیدند، به جمع آوری احادیث پرداختند. (Ibid, p. 206) ویلزنی گزارشی از کتاب محاسن به دست می‌دهد و ضمن معرفی ابواب مختلف آن می‌گوید، کتاب محاسن همان‌طور که از نامش پیداست، درباره خوبی‌ها سخن می‌گوید که با مفاهیم دوگانه خیر و شر در عالم در تفکر شیعه، مرتبط است. کتاب محاسن هم با صفات حسنه کار دارد، هم با صفات سیئه که صفات حسنه را از ویژگی‌های شیعیان برمی‌شمارد. (Ibid, p. 207-212) حجم بیش‌تر مقاله ویلزنی به ذکر حدیثی از برخی از ابواب مختلف کتاب و توضیح درباره هر یک از احادیث است. (Ibid, pp. 213-229)

هم‌چنین، امیر معزی (استاد دانشگاه سوربن) با همکاری حسن انصاری (استاد دانشگاه پرینستون) مقالاتی در بررسی توصیفی منابع شیعی دارند. بررسی کتاب سلیم بن قیس در بخش اول کتاب قرآن ناطق و صامت آمده است. (Amir-Moezzi, 2016) هم‌چنین مقالات «محمد بن یعقوب کلینی و کتاب الکافی» (Amir-Moezzi, 2009) و «کامل کردن یک دین، ملاحظات درباره کلینی و کتاب حدیثی او» (Amir-Moezzi & Hasan Ansari, 2016) به بررسی کتاب «الکافی» پرداخته‌اند.

آنها گزارش می‌کنند که این کتاب مهم‌ترین و موثق‌ترین کتاب شیعه است. منابع اطلاعات کمی درباره زندگی و احوال کلینی گزارش کرده‌اند. از فرزندانش نیز چیزی نمی‌دانیم و کنیه ابوجعفر نیز نمی‌تواند حاکی از وجود فرزندی به این نام باشد. (Amir-Moezzi, 2016, p. 129) سپس به توصیف اوضاع و احوال شهرهای ری، قم و بغداد و حکومت‌های

مرتبط در آن زمان می‌پردازند و می‌گویند، از زمان منصور بغداد مرکز علوم حدیث گشت؛ اما کوفه مرکز اصلی پیدایش حدیث شیعه است. (Ibid, p. 136)

منبع‌شناسی توصیفی در آثار اسلام‌شناس آلمانی مارسینکاوسکی نیز قابل پیگیری است. مارسینکاوسکی در «تعلیم و تعلم شیعیان دوازده امامی و حکومت آل بویه نگاهی به زندگی و زمان ابن بابویه» به حیات و آثار شیخ صدوق می‌پردازد. (Marcinkowski, 2002) هم‌چنین او در مقاله «کلینی و الکافی: نخستین گزیده‌های حدیثی شیعه دوازده امامی» به معرفی «الکافی» کلینی پرداخته است. (Marcinkowski, 2000)

او علاوه بر سخنان برخی عالمان شیعه از تمجید ابن اثیر و ابن حجر از عالمان اهل سنت نیز مطالبی نقل می‌کند و می‌گوید، هیچ یک سخنی توهین‌آمیزی درباره او ندارند. (مارسینکاوسکی، ۱۳۸۷) او می‌گوید: فؤاد سزگین، اعتبار بخش سوم «الکافی» (الروضة) را مورد تردید قرار داده است؛ لیکن دلایل وی، متقاعدکننده نیست. (همان، ص ۳۳۷) از دیدگاه مارسین راویان غریب و غیر مقبول نزد شیعه، دو گروه هستند: طرفداران بنی امیه و غلات که به امامان شیعه، نسبت الوهیت و جایگاهی همسان با خداوند می‌دادند. (همان، ص ۳۱۹) مارسین می‌گوید: توضیحات کلینی در ذیل احادیث فقهی می‌تواند در خواننده این باور را ایجاد کند که کلینی با فقه استدلالی مخالفت نموده است؛ لیکن سعی کرده‌ام، با جستجو و ارائه مدارک و ادله‌ای از احادیث، نشان دهم که این برداشت استنتاجی نادرست و شتاب زده است. (همان، ص ۳۲۱)

اثر دیگر مرتبط با منبع‌شناسی توصیفی، مقاله کلبرگ درباره «بحارالانوار» است. در این مقاله، کلبرگ «بحارالانوار» را به کتابی دایرةالمعارفی توصیف می‌کند که بیش‌تر عمر مجلسی روی آن صرف شده است و هدف آن حفظ احادیث شیعه از زوال است. او اشاره‌ای به سفینه‌البحار و نیز مستدرک بحار دارد و موضوعات ۲۵ جلد بحار را گزارش کرده است. (Kohlberg, 1989)

اثر دیگر، مدخل ابن‌بابویه در «دایرةالمعارف ایرانیکا» تألیف مارتین مک‌دموت است. مک‌دموت در این مقاله به معرفی شیخ صدوق می‌پردازد و اندیشه‌های او را حد وسط و منتقد

اندیشه‌های افراطی غالبانه و عقل‌گرایانه مکتب بغداد می‌داند. مکدمورت طبق نقل کتب شیعی تولد او را با دعای امام غایب می‌داند. او شیخ صدوق را دارای حدود ۳۰۰ اثر می‌داند و به معرفی کتاب‌های شیخ صدوق از جمله کتاب «التوحید»، «من لا یحضر»، «اکمال الدین»، و ... می‌پردازد. (McDermott, 1997)

مقاله دیگر، مدخل کلینی در «دایرةالمعارف اسلام» نوشته ویلفرد مادلونگ است. (Madelung, 2000) مادلونگ در این مقاله به معرفی کلینی می‌پردازد و زمان احتمالی سفر او به بغداد را دهه اول قرن چهارم می‌داند. تصریح نکردن به حضور بیست ساله او در بغداد نشان از عدم اطمینانش نسبت به این دیدگاه دارد. مادلونگ سپس به معرفی اجمالی کافی می‌پردازد و بخش‌های اصول و فروع و روضه را معرفی می‌کند. او اقبال شیخ طوسی و علمای بغداد به کتاب کافی را از آن رو می‌داند که دیدگاه‌های کلینی درباره صفات الهی با مکتب بغداد همسوتر بود تا مکتب قم که قائل به الهیات تنزیهی بودند و شیخ صدوق بعدها این دیدگاه را در آثار خود بیشتر جلوه داد. (Madelung, 2000, 363)

«متون معتبر نزد شیعیان نخستین» از اتان کلبرگ نیز از جمله آثاری است که به توصیف منابع حدیث شیعه می‌پردازد. کلبرگ در این مقاله به معرفی «کتاب علی»، «مصحف علی»، «مصحف فاطمه»، «کتاب جفر و جامعه» با مراجعه به متون و احادیث شیعه می‌پردازد. (Kohlberg, 1993) هم‌چنین است مقاله «کتابت یا منع تدوین، نقل دانش در تشیع نخستین» (Dakake, 2013) از خانم دقاق. دقاق در این مقاله ابتدا به نظریه‌های جدید درباره کتابت حدیث و منع تدوین حدیث می‌پردازد و دیدگاه‌های گرگور شولر را که برخلاف دیدگاه رایج مستشرقین درباره تأخیر تدوین حدیث است، توضیح می‌دهد. (Dakake, 2013, p. 182) اما از دیدگاه دقاق شیعه نیز جزء گروه‌هایی قرار دارد که از منع تدوین حدیث تبعیت نکردند. هر چند شیعیان به طور خاص، منع خلیفه دوم را در آثار خود مطرح نکرده‌اند و تنها در پاره‌ای از روایات مانند حدیث دوات و قلم به ممانعت او از کتابت حدیث اشاره شده است. (Ibid, p. 184) دقاق به طور خاص به بررسی «کتاب سلیم بن قیس»، «مصحف فاطمه» و «کتاب

علی» می‌پردازد و آنها را کتاب‌هایی می‌داند که خارج از دسترس و تنها در دست ائمه (ع) بوده است. (Ibid, p. 191-194)

مقدمه ویلیام چیتیک بر «صحیفه سجاده» نیز حاوی مطالبی درباره کتابت اولیه آن است. چیتیک بیان می‌کند که بنا به سنت شیعی، امام زین‌العابدین (علیه السلام) ادعیه خویش را جمع‌آوری کرده و آن را به فرزندان خویش به خصوص امام محمد باقر (علیه السلام) و زید بن علی آموخته و املا نموده است. متن «صحیفه» در دوره‌های بعد، به طور گسترده‌ای در میان گروه‌های شیعی منتشر شده است. (Chittick, 1988)

آثار دیگر این قسم عبارت‌اند از: «عارف شیعه قرن چهاردهم رجب بررسی و کتاب مشارق الانوار او» توسط تاد لاوسن، (Lawson, 2010) «مجموعه احادیث قدسی شیعه» از روبسون، (Robson, 1967) «نگاهی به اصول کافی یکی از کتب اربعه شیعه» از مارسینکاوسکی، (Marcinkowski, 2001) مقاله «تأملی در کتاب علل احمد بن محمد برقی» (Vilozny, 2009) «مروری بر کمال الدین صدوق» (Vilozny, 2016 A) «راهنمای عددی مختصر برای مسائل پیچیده تشیع: الاشکال و القرائن برقی» (Vilozny, 2016 B) هر سه توسط روی ویلزنی و هم‌چنین مقالاتی از ای کی هوارد با عناوین «کتب اربعه شیعه؛ الکافی کلینی» (Howard, 1976 A) «من لا یحضره الفقیه» (Howard, 1976 B) «تهذیب و استبصار» (Howard, 1976 C) مقالاتی هستند که به شناخت توصیفی کتب حدیثی شیعه پرداخته‌اند.

۴. رویکرد روش شناختی مجامع حدیثی

روش‌شناسی مجامع حدیثی پله‌ای بالاتر از صرف توصیف منابع است. در این تحقیقات خاروشناسان به ریخت‌شناسی کتاب‌ها، توصیف محتوا، انگیزه نگارش و تاریخ و تحولات حاکم و مهم‌تر از همه، ارائه یک نظریه درباره تفکر حاکم بر نویسنده که در انتخاب احادیث در کتاب او نیز دخیل بوده است، پرداخته‌اند. در این روش پژوهشگر تلاش دارد با ارائه شواهد و قرائن تاریخی و نشانه‌هایی از یک یا چند منبع حدیثی به چرایی جمع‌آوری حدیث و روش

انتخاب آنها پردازند. این گونه آثار را می‌توان نوعی جامعه‌شناسی معرفتِ محدثان انگاشت که با آن در تلاشند با مطالعه کتب و جوامع حدیثی در بستر تاریخی به نظریاتی درباره شکل‌گیری، عوامل مؤثر بر تفکر محدث در جامع‌نویسی و شرایط حاکم بر آن زمان دست یابند.

چند اثر با این رویکرد قابل ذکرند. اولی «سیره اهل کساء» نوشته ماهر جرار است. (Jarrar, 2000) جرّار در این مقاله به بررسی توصیفی «المغازی» ابان بن عثمان از اصحاب امامان صادق و کاظم (علیهما السلام) (کشی، ۱۳۶۳، ص ۱۰۷) و از نخستین منابع شیعی در سیره‌نگاری، پرداخته است. شکل و ساختار کتاب، روش و بررسی فصل‌های کتاب سرفصل‌های اصلی مقاله جرّار را تشکیل می‌دهند. وی اخبار و منابع ابان بن عثمان را مورد بررسی قرار داده و مطالب آن را با آثار واقدی و ابن اسحاق، مقایسه کرده است. جرّار معتقد است، تاکنون در موضوع سیره و مغازی شیعه به معنای اعم، پژوهشی مستقل و قابل اعتماد، انجام نگرفته است. از دلایل این امر، می‌توان به عدم دسترسی به منابع نخستین شیعه در موضوع سیره و مغازی و عدم بررسی دقیق روایات سیره نبوی، از سوی شیعه یاد کرد. جرّار تاکید دارد که تا عصر امام باقر (علیه السلام) و شاگردان وی، شیعه تلاش جدی در ثبت سیره نبوی نداشته است. تا این که در آثار کلینی، ابن بابویه و مفید، ظهور یافت؛ اما اختصاص هفت جلد از «بحارالانوار» به زندگی پیامبر اسلام در بررسی سیره نبوی از دیدگاه شیعه بسیار کارگشاست. جرّار معتقد است، تلقی مسیحیایی شیعیان از امامان و نقش فراتاریخی آنان، در اقبال کمتر آنان به سیره‌نگاری و مغازی مؤثر بوده است. (جرار، ۱۳۸۵)

دومین اثر کتاب «اسلام بدون خدا» نوشته کالین ترنر است که به بررسی «بحارالانوار» و اندیشه‌های علامه مجلسی پرداخته است. (Turner, 2000) ترنر در مقدمه کتاب درباره تأثیرگذاری علامه مجلسی با سخنانی اغراق آمیز علامه مجلسی را علت تفوق اهل ظاهر بر باطن‌گرایان و انحراف دین اصیل مبتنی بر معرفت می‌داند و به نقل از عبدالعزیز دهلاوی با زبان طعنه، شیعه را «دین مجلسی» می‌نامد. (Turner, 2000, p. viii)

از دیدگاه ترنر اشتباه مسلمانان در این ریشه دارد که آنها ایمان را مساوی اسلام دانسته و با تأکید بیش از اندازه بر فروع دین، فقه را دچار تورم بیش از اندازه کرده‌اند. (Ibid, p. 4) او پس از نقل احادیث امام باقر و صادق (علیهما السلام) و نیز اقوالی از تفسیر علامه طباطبائی چنین نتیجه می‌گیرد که اسلام جنبه ظاهری و اجتماعی دین و ایمان جنبه باطنی آن است. (Ibid, p. 8) سپس طی بحثی مفصل، تلاش در القای این مطلب دارد که علمای ظاهرگرا به اسلام توجه دارند و از ایمان یعنی جنبه باطنی اسلام به دورند.

او معتقد است، در این دوره بود که ظاهرگرایی از سوی اخباریان و علامه مجلسی متداول شد و ظاهرگرایان گرچه نافی مباحث مربوط به اعتقاد نبودند، اما تمرکز بیش‌تر آنها بر اوامر خداوند بود تا خود خداوند. (Ibid, p. 75) به این ترتیب هم علم در ظاهرگرایی محدود شد و هم ایمان مخصوصاً با سنی‌زدایی سعی در تمرکز بر اختصاصات شیعی یعنی امام و دوری از خداوند و ایمان و معنویت داشت. (Ibid, p. 245)

او تلاش دارد، توضیح دهد که چطور فقه شیعه رشد کرد و موضوعات جانشینی امام در مصرف خمس و نماز جمعه و ولایت به فقه داده شد. او شهید اول و شهید ثانی را نیز از جمله ظاهرگرایان معرفی می‌کند (Ibid, p. 81) و به نادرست، کرکی را اولین فقیهی می‌شمارد که اظهار کرد، فقها نایبان عام امام زمان‌اند و در زمان غیبت، کسی که ناتوان از اجتهاد است، باید تقلید کند. (Ibid, p. 86) در این زمان بود که مجلسی روی کار آمد و چرخش تفکر شیعی از خداگرایی به امام‌گرایی شکل گرفت. (Ibid, p. 249) او علامه مجلسی را فردی متعصب کور، نان به نرخ روز خور، بی رحم و کسی معرفی می‌کند که احادیث را به نفع حاکمان ظالم جعل کرد و نهایتاً نیز منجر به سقوط صفویان شد. (Ibid, p. 149) او خانواده مجلسی، مناصب رسمی مجلسی، کتب مجلسی، و در نهایت «بحارالانوار» را مورد بحث قرار می‌دهد. (Ibid, p. 150-170)

بدون شك علامه مجلسی یکی از پرکارترین عالمان مخصوصاً درباره حدیث و معارف دینی است. اگر هم علامه را متمایل به تفکر اخباری بدانیم، هرچند برخی صاحب نظران در این نیز تردید دارند (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹) ظاهرگرا خواندن او اجحاف است. علامه خود را

میانه‌رو می‌داند؛ «مسلك حقیر در این باب، بین بین و وسط است» (جعفریان، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۹۵) درباره نقل روایات ضعیف در بحار باید گفت، قصد علامه مجلسی گردآوردن روایاتی (اعم از ضعیف و صحیح) است از منابعی غیر از کتب اربعه است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۸) در حقیقت هدف علامه فراهم آوردن اثری دایرة المعارفی بوده است. (جعفریان، ۱۳۸۲، ص ۴۴) علامه مجلسی در مواردی تصریح دارد که صحت این روایات مورد تردید است؛ برای نمونه، درباره حدیث خلقت ارواح قبل از اجساد می‌گوید: «قطعیست درباره صحت روایات راجع به خلقت ارواح دو هزار سال پیش از اجساد وجود ندارد و نقل ما هم به خاطر حسن ظن به آنهاست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۶۶) هم‌چنین در جای دیگر می‌نویسد: «من حکمی درباره صحت یا بطلان این روایات ندارم و علم آن را به اهل آن واگذار می‌کنم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۱۷) جمع آوری کتب و نوشته‌های مختلف از سرتاسر عالم اسلام خود کاری عظیم است. ایشان توضیح می‌دهد، افرادی را به شرق و غرب جهان فرستاد تا نسخه‌های آثار حدیثی شیعه را جمع‌آوری کردند و به اصفهان آوردند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴)

همکاری علامه با دولت صفوی نیز فواید زیادی نیز داشت. چرا که گرایش‌های صوفی‌مآبانه ناکارآمد در اداره جامعه به تدریج جای خود را به اجتماعی مبتنی بر هدایت نظارت علما و فقها سپرد و فقه جعفری پس از قرن‌ها انزوا و اختفاء فرصت یافت که در اداره امور جامعه ایفای نقش نمایند. (مسجدجامعی، ۱۳۷۹، ص ۲۶) در بسیاری از موارد علما مانعی برسر بولهبوسی و عشرت‌طلبی شاهان صفوی بودند. علامه در «عین‌الحیة» فصلی را به احوال سلاطین و معاشرت نمودن با ایشان و عدل و جودشان اختصاص داد و آنان را از بسیاری کارها منع می‌کند. او رساله مستغنی فارسی به نام «آداب سلوک حاکم با رعیت» را نوشت. (سلطان‌محمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۳) با تأثیر إرشادات مجلسی بود که شاه سلیمان حمامی را وقف کتب علامه مجلسی (بلاغی، ۱۳۷۸، ص ۴۵) و شاه‌سلطان حسین، بخشی از املاک خویش را وقف تألیف «بحارالانوار» و هزینه طلاب علوم دینی کرد. (مجلسی، ۱۳۶۲، ص

۶۳) از این روست که امام خمینی (ره) در این باره فرمود: «امثال مجلسی که در دستگاه صفویه بود، صفویه را آخوند کرد، نه خودش را صفویه کرد. آنها را کشاند در مدرسه و دانش». (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸)

از جمله پژوهش‌های روش شناختی منابع «پیوند حدیث و فقه، مجامع رسمی اولیه حدیث امامیه» رابرت گلیو است. (گلیو، ۱۳۸۹) او در این مقاله به روش‌شناسی «کتب اربعه حدیثی امامیه» پرداخته است. گلیو جمع‌آوری مجامع حدیثی شیعه را تحت تأثیر نیاز فقهی می‌داند و می‌گوید: به موازات این که متفکران امامی به فقه و تفسیر شریعت دل مشغول شدند، جامعان احادیث راهکارهای تازه‌ای از گزینش، ارائه و دسته‌بندی را پی‌ریختند. (گلیو، ۱۳۸۹، ص ۲) مخصوصاً کتاب‌های تهذیب و استبصار تلاش دارند، ناهمگونی و تضاد احتمالی بین روایات درونی شیعه را حل کنند. (گلیو، ۱۳۸۹، ص ۴) سپس گلیو به بررسی روایات تیمم در کتب اربعه پرداخته و احادیث هر کدام را ذکر کرده و تحلیل نموده است. اثر دیگر، مقاله مادلونگ در بررسی بخشی از کتاب «الکافی» با نام «کلام اولیه شیعه امامی و تعمقی در کتاب الکافی» است. (Madelung, 2013)

مادلونگ این مقاله را با معرفی «الکافی» به خصوص اصول کافی آغاز می‌کند. او می‌گوید: امامان جلسات منظم تدریس نداشتند و خود کتابی را تالیف نکردند. تنها به سئوالات پاسخ می‌دادند؛ بنابراین احادیث ائمه بیش‌تر واکنشی هستند تا آغازگرانه و برخی احادیث نیز تقیه‌ای هستند که باید بازشناسی شوند. (Madelung, 2013, p. 465) مادلونگ پس از نقل برخی از روایات اصول کافی می‌گوید، اولویت عقل در برخی از این روایات بر وحی نشان از نزدیکی کلام تشیع اولیه به معتزله دارد. (Madelung, 2013, p. 466) از این رو برخی تاریخ‌شناسان معاصر می‌گویند: عقلی که در این روایات آمده، عقل معمولی بشری نیست؛ بلکه عقلی فوق بشری است که تنها انبیا و ائمه داشتند. با مطالعه این روایات درباره عقل می‌توان گفت، اقتباس شیخ مفید و شاگردانش از معتزله و سوگیری به سمت آنان اتفاقی بدون زمینه در تشیع نبوده است؛ بلکه امامان نیز در پاسخ به سئوالات به تأیید تفکر معتزلی پرداختند. (Madelung, 2013, p. 468) مادلونگ سپس برخی احادیث درباره صفات

خداوند مانند شیء بودن، قدرت، کلام، اراده الهی، علم الهی، رویت الهی را به بحث گذاشته و نتیجه گیری کلی او این است که این تفکرات از معتزله اقتباس شده‌اند. (Madelung, 2013, p. 468-471)

مقاله دیگر «علامه مجلسی و طب اسلامی بخش اول» از اندرو نیومن است. (Newman, 2003) نیومن در این مقاله با معرفی علامه مجلسی می‌گوید: به غیر از چند مستشرق متأخر، علامه مجلسی کسی است که همواره مورد اتهام ایران شناسان بوده است. (Ibid, p. 372) نیومن سپس مقدمه‌ای درباره طب جالینوس و ترجمه و تأثیر آن در فرهنگ اسلامی ارائه می‌کند. او به تفاوت حدیث در بین اهل سنت و شیعه اشاره می‌کند و می‌گوید: به سبب قبول سخنان امامان در بین شیعیان به عنوان حدیث و وجود احادیث طبّی در بین سخنان امامان، اهل سنت از احادیث طبّی کمتری برخوردارند. (Ibid, p. 377) نیومن گزارشی مفصل از کتاب‌های «طب الاثمه» و جلد ۳۶ «بحار الانوار» به دست می‌دهد. نقش قلب در بدن و تأثیر پذیری این احادیث از تفکر هلنیک، و وفاداری برخی از این متون با طب جالینوس از جمله مطالبی است که نیومن در این مقاله ضمن بررسی آماری روایات به آنها اشاره می‌کند. نیومن دیدگاه برخی را مبتنی بر اینکه تفکر طبّی ائمه دایر بر تحمل درد و عدم رجوع برای درمان تا جایی که امکان دارد، مورد نقد قرار می‌دهد و با استناد به احادیث مختلف می‌گوید: این دیدگاه با توجه به احادیث شیعه ثابت نمی‌شود.

از جمله آثار دیگر با این رویکرد می‌توان به مقالات «علامه مجلسی و طب اسلامی (بخش دوم)؛ رساله ذهبیه در بحار الانوار» (Newman, 2009) «بازیابی گذشته ابن بابویه، باقر مجلسی و گفتمان طب در عصر صفوی» (Newman, 2012) از اندرو نیومن، و مارسینکاوسکی تحت عنوان «آشتی و وفاداری در دوره آل بویه و اوائل دوره سلجوقیان: زندگی و زمانه محمد بن حسن طوسی» (Marcinkowski, 2001) اشاره کرد.

۵. رویکرد مطالعه تطبیقی منابع

مطالعات تطبیقی بین اندیشه‌ها از جمله روش‌های توصیف و بازشناسی افکار و اندیشه‌هاست. در این روش پژوهشگر تلاش دارد با مقایسه و تطبیق دو یا چند مجموعه به نظریه‌ای درباره تفاوت‌ها و علل شکل‌گیری مجامع حدیثی نائل آید. چند اثر با این رویکرد در مطالعات حدیث شیعه از سوی مستشرقان قابل بازشناسی است؛ از جمله: مقاله «بین قم و غرب غیبت در دیدگاه کلینی و نعمانی: غیبت در دیدگاه کلینی و نعمانی» از اندرو نیومن که دیدگاه‌های آنها را به‌طور تطبیقی بررسی می‌کند. (Newman, 2003 B)

آنچه نیومن بر آن تأکید دارد، عدم رابطه مثبت بین کلینی و نواب اربعه است. موضوعی که نعمانی بسیار بر اهمیت آنان تأکید داشته است. نیومن می‌گوید: ظاهراً مدرسه قم راجع به غیبت مسئله داشته است؛ چون در کتاب کافی ۲۳ حدیث درباره غیبت وجود دارد؛ اما در آن هیچ اشاره‌ای به نائب یا سفیر امام در زمان غیبت یا نواب چهار گانه نشده است و این در حالی است که از قمی‌ها مخصوصاً اشعری‌ها ۷۵۹۹ روایت در کافی روایت شده است. این نشانگر قطعی نبودن طول غیبت در نزد قمی‌هاست؛ در حالی که شاگردش نعمانی نماینده تفکری در خارج از قم کتابی می‌نویسد که حاوی ۹۰ روایت شماره نشده و ۱۵ روایت شماره شده درباره غیبت است. (Ibid, p. 95) نیومن سپس به بررسی اسناد احادیث نعمانی می‌پردازد. نعمانی دو سوم احادیث موجود در کافی درباره غیبت را نقل کرده؛ اما غیر قمی‌ها راوی ۵۵ روایت یعنی ۵۲ درصد از روایات نعمانی‌اند. (Ibid, p. 96) تفاوت اصلی روایات کلینی و نعمانی در این است که کلینی بیش‌تر روایات خود را از قمی‌ها و نعمانی بیش‌تر روایات خود را از غیر قمی‌ها روایت کرده است. (Ibid, p. 100) نیومن سپس به‌طور تطبیقی گزارشی از روایات کتاب نعمانی و روایات غیبت از کافی کلینی می‌دهد. (Ibid, p. 103) روایات نعمانی تأکید بر امتحان و فتنه بودن غیبت برای شیعیان دارد که حتی دیگران آنها را به خاطر این عقیده به سخره خواهند گرفت. ماهیت غیبت و وظیفه شیعیان در روایات نعمانی مورد تأکید قرار گرفته است، بعدها از سوی شیخ صدوق و کلینی نیز پیگیری شد. (Ibid, p. 106)

اثر دیگر همین نویسنده کتاب «شکل‌گیری تشیع؛ گفتمان حدیثی قم و بغداد» است. (Newman, 2000) محور اصلی این کتاب، مطالعه تطبیقی سه کتاب «کافی» کلینی، «بصائر الدرجات» صفار قمی و «محاسن» احمد برقی است. فرضیه نویسنده این است که هر سه محدث در یک محیط نشو و نمو یافته‌اند؛ پس به لحاظ فکری نیز در یک جریان قرار دارند؛ اما در مقابل، شیعیان بغداد و در رأس ایشان نوبختیان، به حمایت از مبانی عقل‌گرایانه معزله از سویی و دستگاه حاکمه از سوی دیگر پرداختند.

نیومن دو جو متفاوت از قم و بغداد ترسیم می‌کند. ایشان بر قرائت رایج از شهر قم که در آن احمد بن محمد اشعری افرادی را از شهر اخراج می‌کرده، خرده گرفته و معتقد است که پشیمانی علنی اشعری از خصومت با برقی و بازگرداندن وی به قم، بیانگر آن است که اختلافات اواخر سده سوم در قم آن قدر عمیق نبوده است که متأخران انگاشته‌اند؛ بلکه قم و بغداد هر کدام جو یکسانی داشته‌اند؛ بنابراین، کلینی بر آن شد تا مکتب حدیثی امامی را در بغداد به همان شکلی که در قم متداول بوده است، پایه ریزی نماید. وی با این کار از یک سو، عقل‌گرایان امامی را که نوبختیان سردمدار آن بودند، به چالش می‌کشید و از سوی دیگر در مقابل جوامع حدیثی عمده اهل تسنن قد علم می‌کرد. در نتیجه روایاتی که کلینی در کتاب خود گنجانده، مستقیماً شیعیان بغداد را هدف قرار داده است. او مدعی است، تمام ۲۱۲ روایت کتاب التوحید کافی نیز گرایش عقل‌ستیزی دارند (نیومن، ۱۳۸۵، ص ۲۸۲) او با ذکر روایاتی درباره مذمت دنیا و ریاست طلبی و ... نتیجه می‌گیرد که سرشت شیعه ذاتاً آن جهانی است. (نیومن، ۱۳۸۵، ص ۳۸۱) نیومن درباره تعدیل عقل‌گرایان از جانب کلینی معتقد است، ورود کلینی در فروع کافی به جزئیات مسائل دینی ناشی از دیدگاه او مبتنی بر ناتوانی فقه عقل‌گرا در عرصه چنین امور فقهی جزئی است. (نیومن، ۱۳۸۵، ص ۳۸۹) او به طور تعجب برانگیزی، ذکر ۳۴ حدیث در ابتدای کتاب درباره عقل را نشانه نکوهش آشکار کلینی نسبت به عقل (نیومن، ۱۳۸۵، ص ۲۸۲) و مخاطب آن را علمای بغداد می‌داند. (نیومن، ۱۳۸۵، ص ۳۶۹)

اقامت بیست ساله کلینی در بغداد (نیومن، ۱۳۸۵، ص ۷۸، ۳۸۹، ۴۵۵) و نوشتن کتاب خطاب به بغدادیان قابل مناقشه است. نجاشی در معرفی کلینی از عبارت «شیخ أصحابنا فی وقته بالری و وجههم» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۷۷) استفاده نموده که دال بر صاحب‌نامی او در ری است. امیر معزی و حسن انصاری نیز زمان مسافرت بی‌بازگشت کلینی به بغداد را نامعلوم و آنرا محتملاً سفر زیارتی مکه (Amir-Moezz, 2016, p. 129) و زمان آن را کمی قبل از ۳۲۷ یعنی تنها دو سال قبل از وفات کلینی حدس زده‌اند. آنها گفته‌اند، کافی از ری به بغداد آورده شد و در آنجا تدریس گردید. (Ibid, p.128) هم‌چنین امیرمعزی می‌گوید: در هیچ یک از منابع دربارهٔ دخالت کلینی در حوادث مهمی که در این سال‌ها در بغداد اتفاق افتاد، از جمله حکم بر علیه حلاج، حوادث مربوط به شلمغانی یا ارتباط و دیدار و روایت از نواب اربعه هیچ اشاره‌ای نشده است، (Ibid, p.146) که شاید حاکی از نبود کلینی در بغداد باشد. هم‌چنین، سخن صدوق در مشیخة الفقیه نشان می‌دهد، برخی از محدثان ری الکافی را از کلینی دریافت و برای شیخ صدوق روایت کرده‌اند (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۳۴) و این دلیلی است بر این که کلینی این کتاب را نه در بغداد که در ری نگاشته و تدریس کرده است. او اهل قم را با گرایش به غلو و اهل بغداد را عقل‌گرا می‌داند؛ درحالی که برخی گزارش‌ها از قدمای امامیه اهل قم را مقصر در شناخت ائمه توصیف می‌کنند. (مفید، ۱۴۱۴، ص ۱۳۶)

اثر دیگر مطالعه تطبیقی کتب حدیثی مقاله «نگاهی به روش حدیث‌شناختی جمال‌الدین ابن طاووس» (Afsaruddin, 2010) نوشته اسما افسرالدین است که دیدگاه‌های او و برخی عالمان حدیث اهل سنت را به طور تطبیقی مطالعه کرده است.

افسرالدین دیدگاه ابن طاووس و شرایط او را در نقد حدیث و هم‌چنین هر یک از اصطلاحات مذکور را بیان می‌کند. او در چند نمونه نشان می‌دهد که چطور ابن طاووس برخی احادیث را ضعیف دانسته است. (Afsaruddin, vol. 3, 2010, p. 365) او به بررسی حدیث «طیر مشوی» از دیدگاه ابن طاووس می‌پردازد و راویانی چون ابوهریره را معرفی می‌کند که از دیدگاه ابن طاووس ضعیف شمرده می‌شوند. (Ibid, p. 366) طبق گزارش

افسرالدین در دیدگاه ابن طاووس شیعه یا سنی بودن راوی مهم نیست؛ بلکه وثاقت مهم است؛ لذا او از راویان بسیاری از اهل سنت حدیث نقل می‌کند. هم‌چنین او بحثی درباره زنان راوی از دیدگاه ابن طاووس دارد (Ibid, 367) و سپس به بررسی حدیث غدیر و منزلت از دیدگاه او و نیز ابن حاجر می‌پردازد. (Ibid, 368-370)

۶. نتایج

مطالعات حدیث شیعه در مراکز علمی غربی در آغاز است و هنوز جغرافیای کلی حدیث شیعه معرفی نشده است. عدم اقبال مستشرقان به این موضوع در قرون گذشته ناشی از شروع ارتباط آنها با منابع اهل سنت بوده است. رویکردهای انتشاری، منبع‌شناسی توصیفی، روش شناختی، و مطالعات تطبیقی از جمله رویکردهای آنان در این مطالعات بوده است. با این حال، مطالعه کتب شیعه از نگاه کتب اهل سنت، رجوع به منابع دست دوم، عدم اطلاع صحیح از منابع از جمله نقیصه‌های این آثار است. چه بسا، بخشی از این اشکال ناشی از عدم معرفی منابع شیعی از سوی عالمان تشیع به زبان‌های اروپایی است.

نگاه مستشرقان به حدیث، نه به عنوان متونی مقدس، بلکه به عنوان منبعی ادبی یا تاریخی است که باید نقادانه تحلیل شود تا تاریخچه متن آن و سرمنشأ احتمالی آن محقق شود. آنان معتقدند، حدیث هم مانند هر متن دیگر در معرض تحلیل‌های نقادانه مشابه زبان شناختی قرار گیرد. به عبارت دیگر حدیث از هیچ منزلت خاص یا تقدسی برخوردار نیست. با توجه به هندسه حدیث شیعه باید گفت، کتب اولیه شیعه مانند «اصول اربعه مأه»، «بصائر الدرجات»، «محاسن»، «کافی» و دیدگاه‌ها و عقائد اخباریان و «بحارالانوار» بخش‌هایی از تاریخ حدیث شیعه است که بیش از همه مورد توجه شیعه پژوهان قرار گرفته است. روش‌شناسی توصیفی جوامع حدیثی در اصل، مقالاتی برای مخاطبان غربی نوشته شده و برای مخاطبان دیگر، تنها در حد آشنایی با آگاهی‌های مستشرقان از مطالعات حدیثی مسلمین و روش‌شناسی پژوهش‌های آنان مفید خواهد بود؛ از این رو، چنین مقالاتی برای حدیث پژوهان فرهیخته مسلمان، ممکن است در حد بازخوانی و تحلیل آراء اندیشوران پیشین اسلامی، در قالب

ادبیاتی متفاوت، قابل توجه باشد؛ اما مستشرقان با بهرمندی از شیوه‌های پژوهشی نوین، ارائه نظامند مطالب، نگاشته‌های خود را جذاب می‌کنند؛ از این رو در زمینه گردآوری، تحلیل و ارائه مطالب از دقت و گاه خلاقیت‌هایی برخوردارند.

اما بحث‌های تحلیلی تاریخی و روش‌شناسی مجامع که از محورهای مهم و مورد توجه مستشرقان در بررسی حدیث شیعه است، شامل مباحثی بسیار دقیق و فنی است که لزوم بررسی و نقد در این حیطه بسیار زیاد است. چه این که این منابع مورد استفاده نسل‌های بعدی اسلام شناسان قرار می‌گیرد. آثار نیومن بیش‌تر به بررسی تطبیقی تفکر حدیثی در قم و بغداد و کوفه پرداخته است، بسیار قابل توجه است. ارتباط کلینی با غیث صغرا و نواب اربعه و هم‌چنین تقابل دیدگاه‌های قم و بغداد از مطالبی است که نیومن در صدد اثبات آن است. مفصل‌ترین گزارش و توصیف محتوایی را نیومن از کتاب کافی و پرچم‌ترین تحلیل درباره اخباریان را رابرت گلیو در کتاب خود انجام داده است.

رویکرد تطبیقی نیز در آثار نیومن و افسرالدین دنبال شده است. علاوه بر این موارد، کلبرگ اضافه بر توصیف تاریخی حدیث شیعه در آثار متعدد به جنبه‌هایی از حدیث که به مباحث اعتقادی مربوط است، پرداخته است

به طور کلی، درباره حدیث شیعه در غرب باید گفت، هنوز حدیث شیعه، ساختار کلی و تمام ابعاد آن مورد تحقیق قرار نگرفته است. تصویر درستی از آن در ادبیات خاورشناسان نقش نبسته و این تا حدی ناشی از تخصص زود هنگام آنان در حوزه‌های خاص و هم‌چنین نبود رشته‌های تخصصی حدیث‌شناسی و یا حتی شیعه‌شناسی در بسیاری از دانشگاه‌های غربی است.

استفاده از روش‌های نوین علوم انسانی و اجتماعی برای تحلیل منابع و ارائه نظریات درباره نحوه شکل‌گیری منابع از جمله نقاط مثبت روش تحقیق آنان است. یکی از راه‌های رسیدن به نتایج درباره فضا و شرایط حاکم بر نویسندگان مطالعه تطبیقی و بررسی آماری کتب حدیثی است که از سوی برخی از مستشرقان پی‌گیری شده است.

۷. منابع

۱. استادی، رضا، اعتقادات علامه مجلسی، کیهان اندیشه، شماره ۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۵.
۲. امام خمینی، سیدروح‌الله موسوی (م. ۱۴۰۹ق)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۳. بحرانی، یوسف بن احمد (م. ۱۱۸۶ق.)، لؤلؤ البحرین فی الاجازات و تراجم رجال الحديث، مکتبه فخرآوی، نجف، ۱۴۲۹.
۴. براون، ادوارد گرانویل، یکسال در میان ایرانیان، ترجمه مانی صالحی، انتشارات ماه ریز، تهران، ۱۳۸۱.
۵. بروکلمان، کارل، تاریخ الادب العربی، دارالمعارف، قاهره، ۱۱۱۹م.
۶. بلاغی، عبدالحجت، شرح احوال علامه مجلسی، مجله میراث حدیث شیعه، دفتر چهارم، ۱۳۷۸.
۷. بهشتی، ابراهیم، اخباریگری، دارالحدیث و دانشگاه ادیان، قم، ۱۳۹۰.
۸. پارسا، فروغ، سنت‌های نقل حدیث در بررسی تطبیقی دیدگاه‌های خاورشناسان، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۸۸، تابستان ۸۷.
۹. پطروشفسکی، ایلیا پاولیچ، اسلام در ایران از هجرت تا پایان قرن نهم، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۶۳.
۱۰. جرار، ماهر، سیره اهل الکساء، ترجمه محمد حسن مظفر محمدی، هفت آسمان، شماره ۳۲، زمستان ۱۳۸۵.
۱۱. جعفریان، رسول، بحار الانوار از زاویه نگاه دایره‌المعارفی، مشکوة، شماره ۸۰، پاییز ۱۳۸۲.
۱۲. جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۹.
۱۳. جمعی از مولفان، کتاب مجموعه مقالات فارسی کنگره بین المللی ثقة الاسلام کلینی، دارالحدیث و اوقاف، قم، ۱۳۸۷.
۱۴. حسینی، غلام احیا، شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان، مؤسسه شیعه شناسی، قم، ۱۳۸۷.
۱۵. دوانی، علی، هزاره شیخ طوسی، (مجموعه مقالات)، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۴۹.
۱۶. راد، علی، حدیث پژوهی در نگاه‌های مستشرقان، علوم حدیث، شماره ۵۸، زمستان ۱۳۸۹.
۱۷. زرین کوب، عبدالحسین، دنباله جستجو در تصوف ایران، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۶.
۱۸. سلطان محمدی، ابوالفضل، همکاری با حاکم جائر در نگاه علامه مجلسی مروی بر زندگی سیاسی علامه محمد باقر مجلسی، حکومت اسلامی، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۰.
۱۹. صانع پور، مریم، شیعه شناسان غربی و اصول اعتقادات شیعه دوازده امامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۳.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات فی دین الامامیه، تحقیق عصام عبدالسید، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ق.

بررسی رویکرد مستشرقان به منابع حدیثی شیعه در تفاسیر فریقین | ۱۳۳

۲۱. _____، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲۲. عقیقی، نجیب، المستشرقون، دارالتعارف بمصر، قاهرة، ۱۹۶۴.
۲۳. فندیگ ادوارد، اكتفاح الفنون بما هو مطبوع، با مقدمه آیت الله مرعشی نجفی، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۴. مارسین کاوسکی، کریستف، کلینی و الکافی: نخستین گزیده‌های حدیثی شیعه دوازده امامی، در کتاب مجموعه مقالات فارسی کنگره کلینی، دارالحدیث و اوقاف، قم، ۱۳۸۷.
۲۵. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، مؤسسة آل البيت، قم، ۱۳۶۳.
۲۶. کلبرگ، اتان، اصول اربعة مائة، ترجمة محمد كاظم رحمتی، علوم حدیث، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۹.
۲۷. کلبرگ، اتان، با همکاری محمد علی امیر معزی، (تحقیق و مقدمه)، کتاب القرائات او التنزیل و التحریف، ابو عبدالله احمد بن محمد سیاری، هلند لیدن، ۲۰۰۹.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب (م. ۳۲۹ق.)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۲۹. گلیو، رابرت، پیوند حدیث و فقه: مجموعه‌های رسمی اخبار امامیه، ترجمة علی راد، آینه پژوهش، شماره ۱۲۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، حق الیقین، انتشارات علمیة اسلامیة، تهران، بی تا.
۳۱. مجلسی، محمد باقر، عین الحیاة، انتشارات اسلامی جامعة مدرسین، قم، ۱۴۳۱ق.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، مهدی موعود، ترجمة جلد سیزدهم بحارالانوار، ترجمة علی دوانی، تهران، ۱۳۶۲.
۳۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۳.
۳۴. مسجد جامع، احمد، تحول علمی و فرهنگی ایران در عصر علامه مجلسی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۳۷ و ۳۸، آذر ۱۳۷۹.
۳۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۷.
۳۶. مفید، محمد بن محمد، تصحیح اعتقادات الامامیه، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۳۷. مهدوی دامغانی، محمود، نظری به چند مقاله از دایرة المعارف اسلام، مجله نگین، شماره ۱۲۱، خرداد ۱۳۵۴.
۳۸. نجاشی، احمد بن علی، فهرست اسماء مصنفی الشیعة، جامعة مدرسین، قم، ۱۳۶۵.
۳۹. نیومن، اندرو، دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی، ترجمة مهدی ابوطالبی و محمد رضا امین، مؤسسه شیعه‌شناسی، قم، ۱۳۸۵.

40. Afsaruddin Asma. "An Insight into the Hadīth Methodology of Jamāl al-Dīn Aḥmad b. Ṭāwūs", in Mustafa Shah (ed.) *The Hadith*, vol. 3, p. 361, Routledge, New York, 2010.
41. Amir-Moezzi & Ansari H. "Muḥammad b. Ya'qūb al-Kulaynī et son Kitāb al-Kāfī", *Studia Iranica*, vol.38 (2), 2009.
42. Amir-Moezzi, Ali, Etan kohblberg, Hasan Ansari, *The Silent Qur'an and The Speaking Qur'an: Scriptural Sources of Islam Between History and Fervor*, Mohammad Translated by Eric Ormsby, New York: Columbia University Press, 2016 .
43. Amir-Moezzi, Ali, Etan kohblberg, *Perfecting a Religion: Remarks on al-Kulayn and His Summa of Traditions in The Silent Qur'an and The Speaking Qur'an*, Translated by Eric Ormsby, New York: Columbia University Press, 2016.
44. Calder, Norman, Mojaddedi, Jawid, and Rippin, Andrew (ed. & Tran.) "Ibn Bābawayh, selection from *Man lā yahduruh al-faḥ* on khums, in *Classical Islam, A Sourcebook of Religious Literature*, New York, London: Routledge, 2003.
45. Chittick WC. *As-Sahifa Al-Kamilah Al-Sajjadiyya*, a Translation, 1988.
46. Chittick, WC, *A Shiite Anthology*, 1981.
47. Clarke, Lynda, and Mahmoud Ayoub, *Beacons of Light*, A Partial translation of, *I'lamu 'l Wara bi Alami 'l-Huda*, by Abu Ali al Fadl ibn al Hasan ibn al Fadl at Tabarsi, World Organization For Islamic Services, Tehran, 1986.
48. Donaldson, Dwight, *The Shi'ite religion; a history of Islam in Persia and Irak*, Luzac, London. 1933 .
49. Donaldson, Dwight, *The Shi'ite religion; a history of Islam in Persia and Irak*, Luzac, London. 1933.
50. Howard, I. K. A., *Great Shi'i Works: Al-Kafi' by Al-Kulayni*, 1976A .
51. Howard, I. K. A., *Great Shi'i Works: 'Man la yahduruh al-Faqih' by Al-Saduq*, 1976B.
52. Howard, I. K. A., *Great Shi'i Works: 'Tahdhib al-Ahkam' and 'Al-Istibsar' by Al-Tusi*, 1976C .

53. Howard, I. K. A., *Kitab Al-Irshad: The Book of Guidance into the Lives of the Twelve Imams*, Tahrike Tarsile Qur'an, Inc. New York, 1982.
54. Ispahany B., translator & Newman A, editor. *Islamic medical wisdom: the Ṭibb al-a'imma*, London: Muhammadi Trust, 1991.
55. Jarrar, Maher Zuhayr, "Sīrat Ahl al-Kisā". *Early Shī'ī Sources on the Biography of the Prophet,* The Biography of the Prophet Muḥammad, ed. Harald Motzki. Leiden, Boston, Köln: E.J. Brill, 2000.
56. Kohlberg Etan, "Shi'a Hadith" in Daftary F. and Miskinzoda G. (eds.) *The Study of Shi'i Islam*, The Institute of Ismaili Studies, London, 2014.
57. Kohlberg, Etan, "Al - usul al-arba'ami'a", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam* 10, 1987.
58. Kohlberg, Etan, "Behār al-'Anwār", in *Iranica*, 1989.
59. Kohlberg, Etan. "Authoritative Scripture in Early Imami Shiism", *Bibliothèque De L'ecoles Des Hautes Etudes*, Vol, XCIX (99) 1993.
60. Lawson, Todd, "A 14th Century Shī'i Gnostic Rajab Bursī and his Mashāriq al-Anwār," in *Ishraq: Islamic Philosophy Yearbook*, Russian Academy of Sciences, Iranian Institute of Philosophy, No. 1, 2010 .
61. Madelung, Wilferd. "Al-Kulayni, Abū Dja'far Muhammad", in *Encyclopaedia of Islam*, new edition, vol. 5, pp. 362- 363, Brill, 2000 .
62. Madelung, Wilferd. "Early Imāmī Theology as Reflected in the Kitāb al-kāfī of al-Kulaynī", In: Daftary F, Miskinzoda G, editors. *The Study of Shi'i Islam: History, Theology and Law (Shi'i heritage series)*, I.B. Tauris, 2014.
63. Marcinkowski, Christoph, "Al-Kulayni and his Early Twelver-Shi'ite Hadith-Compendium Al-Kafi: Selected Aspects of the Part Al-Usul min al-Kafi," *Islamic Culture* 74, no. 1 (Jan. 2000), pp. 89-126.

64. Marcinkowski, Christophe, "Twelver Shiite Scholarship and Buyid Domination. A Glance on the Life and Times of Ibn Babawayh al-Shaykh al-Saduq", *Islamic Culture* (Hyderabad, India), vol. 76 (1), Jan. 2002 ,
65. Marcinkowski, Christophe, *Rapprochement and Fealty during the Buyids and Early Saljuqs: The Life and Times of Muhammad ibn al-hasan al-Tusi*, in *Islamic studies*, vol 40, 2001 .
66. Marcinkowski, Muhammad Ismail. "A Glance on the First of the Four Canonical Hadith-Collections of the Twelver-Shiites: Al-Kafi by al-Kulayni, Hamdard Islamicus, Karachi, Pakistan, Apr. -Jun. vol. 24 (2), 2001 .
67. Marcinkowski, Muhammad Ismail. "Al-Kulayni and his Early Twelver-Shi'ite Hadith-Compendium Al-Kafi: Selected Aspects of the Part Al-Usul min al-Kafi," *Islamic Culture*, vol. 74, Jan. 2000 .
68. Maria Massi. "Writing and Resistance: The Transmission of Religious Knowledge in Early Shi'ism", in Daftary, F. and Miskinzoda, G. (editors), *The Study of Shi'i Islam: History, Theology and Law*, I.B. Tauris, 2014 .
69. McDermot, Martin. "Ebn Bābawayh (Bābūya), Shaikh Sadūq", in *Encyclopaedia Iranica*. Vol. VIII, Fasc. 1, 1997 .
70. Merrick, James, *The Life and Religion of Mohammed: As Contained in the Sheeah Traditions of the Hyat-UL-Kuloob*, Boston, 1850.
71. Newman Andrew J. *The formative period of Twelver Shi'ism: Hadīth as discourse between Qum and Baghdad*, Richmond, Surrey: Curzon; 2000.
72. Newman J. Andrew. "Baqir al-Majlisi and Islamicate Medicine: Safavid Medical Theory and Practice Re-examined". In Newman AJ, editor, *Society and Culture in the Early Modern Middle East, Studies on Iran in the Safavid Period*. Leiden: Brill, 2003 .
73. Newman J. Andrew. "Between Qumm and the West: the occultation according to al-Kulaynī and al-Nu' mānī", In *Culture and memory in medieval Islam*, London: I.B. Tauris, 2003 B .

74. Newman, Andrew J. *The Formative Period of Shi'i Law: Hadith as Discourse Between Qum and Baghdad*, Richmond, Surrey: Curzon, 2000.
75. Newman, J. Andrew. "Bāqir al-Majlisī and Islamic Medicine II: al-Risāla al-dhahabiyya in Biḥār al-anwār", in Amir-Moezzi, M. A., Bar-Asher, M. M. & Hopkins, S. (eds.), *Le Shīisme Imāmite Quarante Ans Après*, Turnhot: Brepols Publishers, 2009.
76. Newman, J. Andrew. "The Recovery Of The Past: Ibn Bābawayh, Bāqir Al-Majlisī and Safawid Medical Discourse", *Iran: Journal of the British Institute of Persian Studies*, vol. 50, 2012.
77. Robson, James, - «A shī'a Collection of Divine Traditions», TGOS22, Glasgow University Oriental Society Transactions xxii, 1967-1968, 1-13.
78. Turner, Colin, *Islam Without Allah: The Rise of Religious Externalism in Safavid Iran*, Curzon Press, London, 2000.
79. Vilozy R. "Pre-Būyid Ḥadīth Literature: The Case of al-Barqī from Qumm in Twelve Sections", in: Daftary F, Miskinzoda G., editors. *The Study of Shi'i Islam: History, Theology and Law*, I.B. Tauris, 2014.
80. Vilozy, Roy, "A Concise Numerical Guide for the Perplexed Shiite: Al-Barqī's Kitāb al-Aṣkāl wa-l-Qarā'in" in Arabica. 2016.
81. Vilozy, Roy, "Réflexions sur le Kitāb al-'Ilal d'Alḥmad b. Muḥammad al-Barqī (m. 274/888 ou 280/894)" in Amir-Moezzi M. A. and Bar-Asher M. M. (eds.), *Le Shīisme Imāmite Quarante Ans Après - Hommage à Etan Kohlberg*, Turnhout 2009.
82. Vilozy, Roy, "What Makes a Religion Perfect: Al-Ṣadūq's Kamāl al-dīn Revisited" in Amir-Moezzi M. A., De Cillis M., De Smet D. and Mir-Kasimov O. (eds.), *Esoteric Shi'a: Roots and Developments*, Bibliothèque de l'Ecole des Hautes Etudes and Turnhout, London 2016 A.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Comparative Commentary researches
Vol.3, no.2, Autumn and Winter 2017, Ser. no.6
(pp. 139-161)
DOI:

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی

سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶،
شماره پیاپی ۶ (صفحات ۱۳۹-۱۶۱)

A Comparative Review of Sources, Methods and Attitudes Used in Zayd Ibn Ali (p.b.u.h) and Abdul Rahman Ibn Zayd's Exegeses

Fatimah Dastranj¹

(Received: 9/2/1396-29/4/2017; Accepted: 8/5/1396-30/7/2017)

Abstract

The exegeses written in the second century ('AH'), particularly Zayd Ibn Ali and Abdul Rahman Ibn Zayd's exegeses which are regarded important and "comprehensive", have distinct position. The present paper compares these two exegeses, using an analytical-descriptive method. The results show that despite their authors' common exegetic methods and approaches, they have had a distinct method in using hadiths, intellectual views, the way of referring to the Quranic verses, and applying exegetic principles. Zayd Ibn Ali has greatly used a literary method, approach, and usages in his exegesis, while Abdul Rahman Ibn Zayd has particularly used the method of interpreting the Holy Quran by itself, and paid particular attention to Ayat Al-Ahkam (the verses of injunctions).

Key words: comparative exegesis, Zayd Ibn Ali (p.b.u.h), Abdul Rahman Ibn Zayd, method, attitude.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Assistant professor of department of sciences of the Holy Quran and hadith, Arak University, f-dastranj@araku.ac.ir